



خدیجه نوروزی
دبیر، نگار، مازندران
رضا عبادی جامخانه
دبیر تاریخ، نگار، مازندران

سعدی در مدرسه ما

افزایش قدرت دفاعی و... بر اساس آن استوار خواهد بود. این مقاله اختصاصاً جنبه‌های مدیریت فرهنگی را در بوستان سعدی کنکاش می‌کند. از آن‌جا که سعدی شاعر مسلمان است، ناخودآگاه بحث مدیریت اسلامی دربارهٔ او مطرح می‌شود. هدف از این نوع مدیریت که در آثار سعدی نیز ردپای آن دیده می‌شود، به خدمت گرفتن تمام امکانات مادی و معنوی در جهت کسب رفاه مادی و فضایل معنوی و رعایت مصلحت جامعه و در نهایت رشد و تعالی انسان است. در این نوع مدیریت، علاوه بر تأمین مصالح تک‌تک افرادی که در حوزهٔ مدیریت انجام وظیفه می‌کنند، رضای حق تعالی شرط اساسی خواهد بود.

این نوع مدیریت در دنیای شعر و نثر فارسی شواهد بسیار دارد. از جمله **سعدی** شیرین سخن به علت مسافرت‌های متعدد، شهرت و وجاهت فردی، با علما، عمال حکومتی، لشکری، بازرگانان و بیشتر افسار جامعه حشر و نشر داشته و با چشمان تیزبین و نقاد اعمال آنان را زیر نظر می‌گرفته است و مدیران و شیوه‌های مدیریتی آنان را در امور سیاسی، نظامی، اقتصادی، آموزش، اداری و... بررسی و مطالعه می‌کرده است. اگرچه او اولین کسی نیست که دربارهٔ مدیریت در کشورمان سخن گفته است، اما جامعیت سخنش، سادگی گفتار، تسلط او بر علوم اسلامی و آشنایی او با سیاست و کشورداری و ادارهٔ امور و مدیریت و نیز

چکیده

ادبیات و اجتماع از دیرباز رابطهٔ تنگاتنگی با هم داشته‌اند. ادبیات در واقع بازتاب تحولات اجتماع است و آثار ادبی تجلیگاه آن تحولات. دردها، آرزوهای آرمانی، تجربه‌های گران‌قیمت بشری و به‌طور کلی آرمانشهر مردم، در آثار ادبی هویداست. آثار ادبی به‌جا مانده از پیشینیان حاوی تجربیات ذی‌قمتی هستند که می‌توانند راهگشای بسیاری از مسائل امروز ما از جمله مشکلات مدیریتی باشند. سعدی مسائل اجتماعی و مدیریتی، تربیتی، اقتصادی و... عصر خود را با ظرافت تمام بررسی کرده است؛ به‌ویژه تجربه‌های مدیریتی پیشینیان را به بهترین صورت ممکن بیان داشته است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت فرهنگی، سعدی، بوستان، گلستان

مقدمه

مدیریت به منزلهٔ ستون فقرات همهٔ تشکیلات و نهادهای اجتماعی اعم از خانواده، دولت و سازمان‌های اداری است. می‌توان گفت تیرک خیمهٔ سازمان‌های اداری و اجتماعی محسوب می‌شود. مدیریت در عصر حاضر اهمیت بسیار یافته است، به‌نحوی که پیشرفت و توسعهٔ اقتصادی، هدایت برنامه‌های تربیتی و آموزش، استفادهٔ صحیح از منابع خدادادی، ادارهٔ صحیح و مؤثر امور دولت،

شجاعت وی در بیان حقایق، او را از سایرین ممتاز ساخته است:
همه گویند سخن، گفته سعدی دگر است.

بسط اندیشه‌های مدیریتی سعدی تا عصر حاضر

شایسته است پیش از اینکه به طرح سخنان سعدی درباره مدیریت و مدیریت مطلوب از دیدگاه او بپردازیم، به این سؤال پاسخ دهیم که آیا نظریه‌های سعدی درباره مدیریت، با وجود تحقیقات و مطالعات صورت گرفته در دهه‌های اخیر، هنوز نیز کاربرد دارد یا نه؟

می‌دانیم، مدیریت و اداره امور، با انسان به‌عنوان رکن اساسی جامعه و هر سازمان اجتماعی سروکار دارد. انسان و نیروی انسانی سنگ زیربنای سازمان‌ها تلقی می‌شوند. بنابراین، هسته اصلی مباحث مدیریت، انسان است.

با وجود اینکه بشر در قرن‌های گذشته و به‌ویژه دهه‌های اخیر توانسته است با استفاده از علوم به پیشرفت‌های شایانی در صنعت، اقتصاد، کشاورزی و ... دست یابد، لیکن انسان و فطرت انسانی و آنچه در مکاتب مدیریت و به‌ویژه در مدیریت اسلامی مطرح است، همواره ثابت بوده و خواهد بود. بنابراین، آنچه از دانش مدیریت به انسان و رفتارها و خصوصیت او باز می‌گردد، همواره ثابت و نامتغیر است.

اندیشه‌های سعدی در خصوص مدیریت نیز به همین گونه است و گذر زمان آن‌ها را کهنه و فرسوده نساخته است. به‌گونه‌ای که امروز نیز برای جامعه مدیریت و مدیران کشور قابل استفاده‌اند و فراتر از آن، چنانچه بخواهیم طبق اصول و موازین اسلامی مدیریت کنیم، ناگزیر به رعایت آن‌ها هستیم.

مبانی اندیشه‌های مدیریتی سعدی

● نظام جهان نوعی نظام الهی است

همه هستی مخلوق خداوند عزوجل و نظام خلقت نظام احسن است. در چنین نظامی، انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات حرمت بسیار دارد و در اعمال مدیریت نباید به هیچ فردی کوچک‌ترین ظلمی برود. و به عقیده سعدی، حتی به سایر موجودات نیز، چون مخلوق خدا هستند، نباید ظلم روا داشت.

در حکایتی آورده است که شبلی، موری در غله خریداری کرده می‌یابد. تا صبح خواب به چشمانش نمی‌آید و صبح مور را به مأوای خود می‌آورد و می‌گوید:

مروت نباشد که این مور ریش
پراکنده گردانم از جای خویش

(بوستان، ص ۸۷)

و دیگری سگی تشنه در بیابان می‌یابد و با کلاه و دستار خویش آب از چاه می‌کشد و سیرایش می‌کند و نتیجه اینکه:

تو با خلق سهلی کن ای نیکبخت
که فردا نگیرد خدا با تو سخت

(بوستان، ص ۸۵)

● به معاد توجه باید کرد

سعدی یک عالم مسلمان است، اصل بنیادی اعتقادی معاد را به همه مدیران و کارگزاران مؤکداً گوشزد می‌کند. توجه به بازگشت به سوی خدا، یکی از ارکان تشکیل‌دهنده اندیشه‌های مدیریتی سعدی است. توجه به معاد و عقاب به نظر او در اعمال مدیر تأثیر بسیار می‌گذارد. از آنجا که مخاطبان سعدی فقط مؤمنان موحد نبوده‌اند، او با آوردن تاریخ گذشتگان و حکایت تلخ و شیرین، مدیران را به عبرت گرفتن از سرانجام آنان فرا می‌خواند و می‌گوید: تحولات و بازی روزگار را به فراموشی نسپارید و به زیردستان ظلم و جور مکنید، زیرا:

مها زورمندی مکن بر کهان
که بر یک نمط می‌نماند جهان
دل زیردستان نباید شکست
مبادا که روزی شوی زیردست

(بوستان، ص ۵۷)

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه‌کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است

(بوستان، ص ۸۷)

ستم موجب پراکنده شدن مردم از اطراف مدیر خواهد شد. بنابراین، عقل حکم می‌کند اگر مدیری به مدیریت خود علاقه‌مند است و نمی‌خواهد اقتدار و مدیریتش ضعیف شود، به زیردستان ستم روا ندارد تا به عقوبت تنهایی و بی‌کسی گرفتار نگردد.

● رعایت عدالت لازم است

سعدی با اینکه تفکر اشعری دارد، اما آن قدر از عدل گفته است که به‌نظر می‌رسد عدلی مذهب است. او در اغلب حکایات و مواعظ و به‌ویژه در بوستان، همه را در همه حال به عدالت فرا می‌خواند. رعایت عدل و انصاف نیز یکی دیگر از ارکان اندیشه‌های مدیریتی سعدی است. بدان‌گونه که پیش از این نیز اشاره کردیم، ظلم را

اگر به موری باشد روا نمی‌داند و احسان را اگر چه به سگی باشد ارج می‌نهد و به مدیران توصیه می‌کند:

الا تا نیچی سر از عدل و رأی
که مردم ز دستت نیچند پای
گریزد رعیت ز بیدادگر
کند نام زشتش به گیتی سمر
بسی بر نیاید که بنیاد خود
بکند آنکه بنهاد بنیاد بد

(بوستان، ص ۴۳)

● اساس مدیریت و حکومت‌ها بر انسان‌ها استوار است

انسان و نیروی انسانی در سازمان و مدیریت نقش محوری دارند. هیچ سازمان و حکومتی بدون انسان معنی و مفهوم ندارد، اگر چه برای سازمان‌های اجتماعی غیر از نیروی انسانی ارکانی نظیر قوانین و مقررات، تشکیلات و روش‌هایی قائل هستند، اما انسان به منزله ستون‌های بنای سازمان و مدیریت‌هاست. و نبود انسان‌ها یا توجه نکردن به آن‌ها موجب فرو ریختن بنای مدیریت خواهد بود. مشروعیت اقتدار و اعمال حکومت و مدیریت بدون پذیرش قلبی و تمکین مردم امکان‌پذیر نیست.

سعدی نیز اساس مدیریت را مردم و زیردستان می‌داند، زیرا اگر زیردستی نباشد، مدیر بر که مدیریت خواهد کرد؟ سعدی در این‌باره تشبیه زیبایی دارد:

رعیت چو ببخند و سلطان درخت
درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

(بوستان، ص ۴۲)

● انواع مدیریت تخصصی در بوستان سعدی

سعدی (علیه‌الرحمه) در آثار خود با فصاحت فراوان مطالب بیشماری را در خصوص مدیریت و انواع آن مطرح کرده است. برخی از انواع این نوع مدیریت در زیر می‌آید:

● مدیریت امور سپاه و لشکر

اداره امور سپاهیان، حراست از کشور در مقابل دشمنان خارجی، حفظ امنیت داخلی و ایجاد آمادگی رزمی، بالا بردن قدرت دفاعی و به‌طور کلی تمشیت امور نظامی و انتظامی را مدیریت امور سپاه نامند. سعدی نظامی نبوده است، اما مانند یک کارشناس نظامی و جنگی و سیاسی اظهار نظر کرده است. او معتقد است که جامعه هر چند کمال مطلوب و آرمانی داشته باشد، همواره دشمنانی خواهد داشت. ولی هر مدینه فاضله، در همان حال که با دشمنانی سر و کار دارد یا در حال جنگ است، باید همواره توسط برخی اصول اخلاقی هدایت شود. تدبیر سیاسی به استفاده از زور رجحان دارد. صلح همواره باید بر جنگ مقدم باشد. باید در آغاز برای غلبه بر دشمن اقدامات اخلاقی و مادی به کاربرد. با این همه، سعدی تأکید می‌ورزد، حتی زمانی هم که جنگ آغاز گشت، باید در صلح را باز نگاه داشت و هیچ

فرصت صلح‌آمیز را از دست نداد، زیرا صلح بسی از جنگ بهتر است.

همین‌طور در مواجهه دشمن نباید نیرو و آمادگی او را سهل بگیریم. دشمن دشمن است، خواه بزرگ باشد و خواه کوچک. باید همیشه بر ضد او آماده پیکار باشیم. سعدی پافشاری می‌کند که همواره باید به جای حس انتقام، انسانیت عامل راهنمای اعمال و افعال، حتی در جنگ، باشد.

هم در جنگ و هم در صلح، ما باید به نیروی نظامی خود متکی باشیم. نیروهایی که جان خویش را بر کف نهاده‌اند تا ما را زنده نگاه دارند. بنابراین، بهترین کاری که جامعه می‌تواند در حق سربازان دلیر خود انجام دهد، این است که آنان را از اضطراب مالی و اقتصادی فارغ‌البال سازد. سربازی که در غم نان خود یا فشار فاقه خانواده باشد، نمی‌تواند با دشمن شجاعانه بجنگد. حکومت باید خزانه را ببخشد تا سپاهی نیز جان خود را ببخشد. سعدی می‌گوید: سپاهیی که به مقامات مهمی گمارده شده‌اند، باید به مراتب بالاتری ارتقا یابند و پاداش شایسته بگیرند تا همیشه آماده باشند برای کشور خود مرگ را در آغوش کنند. دلاور که باری تهور نمود
بباید به مقدارش اندر فزود

(بوستان، ص ۷۴)

● مدیریت در خانواده

خانواده اولین نهاد اجتماعی است و خداوند متعال هدف از تشکیل آن را کمال و آرامش انسان می‌داند (اشاره به آیه ۲۱ سوره روم: خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها). سعدی درباره مدیریت فردی، اعم از صرف وقت و عمر، پول و سرمایه، مدیریت آموزشی و تربیتی سخن رانده است، اما درباره مدیریت در خانواده مطالب چندانی نیاورده است و بسیاری از مطالبی که در آثار سعدی در این‌باره به چشم می‌خورد، جنبه هزل و مزاج و تفتن دارد. به هر حال، با توجه به مطالبی که خواهد آمد، نظر سعدی درباره خانواده به این شرح است. از نظر سعدی، موفقیت و سلامت سازمان خانواده، و استحکام داشتن و یا نداشتن آن، به نقش زن و عملکرد او بستگی دارد:

زن خوب فرمانبر پارسا
کند مرد درویش را پادشا

(بوستان، ص ۱۳۶)

و برخلاف آن:

زن بد در سرای مرد نکو
هم درین عالم است دوزخ او

(گلستان، ص ۲۰۳)

● مدیریت بر وقت

وصیت همین است جان برادر
که اوقات ضایع مکن تا توانی
یکی از سرمایه‌های ارزشمند خداداد زمان و وقت است که در اختیار همه انسان‌ها نهاده شده است. بدون شک انسان‌های موفق آن‌هایی هستند که از لحظه‌لحظه عمر خویش بهترین

استفاده را می‌برند. مثال مشهوری در این باره می‌گوید: «با وقت و عمر، یاقوت‌ها می‌توان خرید، اما با یاقوت‌ها وقت و عمر نمی‌توان خرید» (میر سعسانی، ۱۳۶۱: ص ۷۷). این استفاده صحیح از وقت و زمان «مدیریت زمان» نامیده می‌شود. این مقوله از تیررس دید جهانگردی چون سعدی نیز به دور نمانده است. امروزه کتاب‌های متعددی درباره استفاده بهتر از وقت سفارش‌هایی می‌کنند، مثل: تهیه جدول زمان‌بندی روزانه؛ ایجاد محدودیت در مکالمه‌های تلفنی یا حضوری؛ تفویض امور به دیگران. مدیریت زمان از دیدگاه سعدی با مدیریت زمان از دیدگاه نویسندگان و محققان غربی تا اندازه‌ای متفاوت است. زیرا سعدی به جزئیات نمی‌پردازد. او هیچ‌گونه توصیه‌ای نظیر آنچه ذکر کردیم، نیاورده است. به اعتقاد سعدی، وقت و زمانی که هر فرد در اختیار دارد، به هیچ‌وجه نباید به هدر برود. بنابراین، مدیریت زمان از دیدگاه سعدی این نیست که فرد با انتزاع خویش از جامعه پیرامون و با رعایت اصول و قواعد به‌خصوص در وقت خود صرفه‌جویی کند، بلکه مدیریت زمان از دیدگاه شیخ یعنی استفاده بهینه از زمان در جهت تحقق اهداف اسلامی و انسانی، فردی و اجتماعی.

مدیریت بر وقت و زمان از نظر سعدی بر محورهای اساسی زیر استوار است:

- صرف زمان در راه کسب رضای حق تعالی و خشنودی دل‌ها.
- دانستن اهمیت زمان و غیرقابل برگشت بودن آن.
- استفاده هر چه بیشتر از این منبع خدادادی.
- ز پنجه درم پنج اگر کم شود
- دلت ریش سر پنجه غم شود
- چو پنجاه سالت برون شد ز دست
- غنیمت شمر پنج روزی که هست
- اگر مرده مسکین زبان داشتی
- به فریاد و زاری فغان داشتی
- که ای زنده چون هست امکان گفت
- لب از ذکر چون مرده بر هم مخفت
- چو ما را به غفلت بشد روزگار
- تو باری دمی چند فرصت شمار

(بوستان، ص ۱۸۲)

شبی خوابم اندر بیابان فید
 فرو بست پای دویدن به قید
 شتربانی آمد به هول و ستیز
 زمام شتر بر سرم زد که خیز
 مگر دل نهادی به مردن ز پس
 که بر می‌نخیزی به بانگ جرس
 مرا هم چو تو خواب خوش در سراسر است
 و لیکن بیابان به پیش اندر است
 تو کز خواب نوشین به بانگ رحیل
 نخیزی، دگر کی رسی در سبیل...
 دریغا که بگذشت عمر عزیز

بخواهد گذشت این دمی چند نیز

(بوستان، ص ۱۸۴)

مکن عمر ضایع به افسون و حیف
 که فرصت عزیزست و الوقت سیف

(بوستان، ص ۱۸۵)

نگهدار فرصت که عالم دمی است
 دمی پیش دانا به از عالمی است

(بوستان، ص ۱۸۸)

ز عهد پدر یادم آید همی
 که باران رحمت برو هر دمی
 که در خرید ام لوح و دفتر خرید
 ز بهرم یکی خاتم زر خرید
 بدر کرد ناگه یکی مشتری
 به خرمایی از دستم انگشتری
 چو نشناسد انگشتری طفل خرد
 به شیرینی از وی توانند برد
 تو هم قیمت عمر نشناختی
 که در عیش شیرین برانداختی...

(بوستان، ص ۱۸۹)

چه سود از پشیمانی آید به کف
 چو سرمایه عمر کردی تلف

(بوستان، ص ۱۹۳)

● مدیریت امور آموزشی

«آموزش در لغت به معنی یاد دادن، علم آموختن، فراگرفتن، تعلیم و تربیت و دانش آموختن است. مترادف آن در فرهنگ اسلامی لفظ تعلیم است که به معنی آموختن، کسی را چیزی آموختن و آگاه کردن است.» (نظام آموزش کارگزاران از دیدگاه مبانی ارزشی اسلام، ۱۳۷۰: ۵).

دین مبین اسلام به آموزش و آموختن ارج بسیار نهاده است و آموختن را از هر طریق ممکن گرامی داشته است. درباره تعلیم و تربیت در محیط خانواده، در بخش مدیریت در خانواده سخنان سعدی آورده شده است. در این بخش نیز به تعلیم و تربیت در مدرسه پرداخته می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که تربیت فقط به مدرسه و خانواده و معلم و پدر و مادر محدود نمی‌شود، بلکه هر فرد در تربیت خود نقش اساسی دارد. سعدی بر تربیت فردی و خودسازی تأکید فراوان کرده است. اختصاص یک باب از گلستان و یک باب از بوستان به موضوع تربیت حاکی از توجه اوست.

سعدی درباره تعلیم و تربیت آموزشی نیز صاحب نظر است. در این باره، همچون یک کارشناس امور آموزشی و تعلیم و تربیت به اظهار نظر پرداخته است:

پر تو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است
 تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است

(گلستان، ص ۶۱)

چو خواهی که نامت بماند به جای
 پسر را خردمندی آموز و رای...

به خردی درش زجر و تعلیم کن
به نیک و بدش وعده و بیم کن
نوآموز را ذکر و تحسین و زه
ز توبیخ و تهدید استاد به

(بوستان، ص ۱۶۴)

● مدیریت امور مالی

مدیریت مالی عبارت است از اداره امور مالی یک سازمان اجتماعی اعم از خانواده، مؤسسه دولتی یا کشور، از جهت دخل و خرج و به عبارت بهتر نظارت دقیق بر درآمدها و هزینه‌ها و نیز حفظ دارایی‌ها.

هیچ سازمان و دولتی نمی‌تواند بدون داشتن درآمد از یک سو و هزینه‌های منطقی از سوی دیگر، دوام یابد. و از جهتی ارزش‌های اعتقادی و عدالت اجتماعی حکم می‌کند هم درآمدها از محل مشروع تحصیل شود و هم هزینه‌های جاری در جهت خیر و صلاح آحاد مردم و به صورت عادلانه تقسیم گردد تا موجب فساد و تباهی نشود.

سعدی نیز تأکید دارد که در تحصیل و تقسیم و هزینه ثروت و اموال عمومی و نیز اموال فردی و خانوادگی دقت فراوان صورت گیرد. او در مورد مدیریت امور مالی توصیه می‌کند:

- کسب رضای حق تعالی و نیز مردم، سرلوحه مدیریت‌هاست.
- رعایت عدالت در همه امور واجب است و در مدیریت مالی اولاتر.

- پول و ثروت برای آسایش است نه برای نهادن، زیرا از بهر نهادن چه سنگ و چه زر.

آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت
سر عقابت اندر سر دینار و درم کرد
خواهی که متمتع شوی از دنیوی و عقبا
با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد

(گلستان، ص ۵۱۶)

شنیدم که فرماندهی دادگر
قبا داشتی هر دو روی آستر
یکی گفتش ای خسرو نیک روز
ز دیبای چینی قبایی بدوز
بگفت این قدر ستر و آسایش است
وزین بگذری زیب و آرایش است
نه از بهر آن می‌ستانم خراج
که زینت کنم بر خود و تخت و تاج
چو هم‌چون زنان حله در تن کنم
به مردی کجا دفع دشمن کنم
مرا هم ز صد گونه آز و هواست
و لیکن خزینه نه تنها مراست
خزائن پر از بهر لشکر بود
نه از بهر آدین و زیور بود

(بوستان، ص ۵۲)

دانش مدیریت، استفاده صحیح از امکانات، نیروی انسانی، وقت و جز آن را امکان‌پذیر می‌سازد. از این‌رو، یکی از عناصر مهم در پویایی اجتماع تلقی می‌شود. مدیریت به منزله ستون فقرات همه تشکیلات و نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، دولت و سازمان‌های اداری است و هیچ سازمانی چه کوچک و چه بزرگ، بدون بهره‌مندی از مدیریت صحیح نخواهد توانست به اهداف خود دست یابد.

کشور پهناور ایران با توجه به عنایات الهی منابع سرشاری دارد. از قدیم کاردانی ایرانیان زبانزد خاص و عام بوده است. لیکن با وجود داشتن توانایی‌های مالی و منابع انسانی هوشمند، با مشکلات فراوانی روبه‌روست. کنکاش در الگوهای کلی مدیریتی که در کتاب‌های قدیمی و اصیل ایرانی موجود است، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات عدیده در این راه باشد. اگرچه شخصیتی چون سعدی در بازگویی اصول مدیریتی خود چندان وارد جزئیات نمی‌شود، اما همان اصول کلی را می‌توان سرلوحه قرار داد تا مدیران ارشد از آن به‌عنوان نمونه استفاده کنند. از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، سعدی در تطابق با الگوهای مدیریتی، این خصوصیات بارز را درآراست:

- بیان ساده و روشن و همه‌فهم.
- گرمی گفتار و صمیمیت در ادای مطالب و نیز تواضع و فروتنی و تجانس فرهنگی و روحی.
- الهام از زندگی علمی، تجربیات روزمره، تاریخ و سرگذشت مردم، و التفات عمومی به پسندهای مردم و آداب و رسوم و اعتقادات ایشان.

- توجه عمومی به نکات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، با توجه به تحصیل و تجربیات لازم در طی حیات و نیز ترکیب همه تجربیات با یکدیگر و بالاخره به گزینی از آنچه می‌تواند رنگ همگانی داشته باشد؛ که عوالم مشترک روحی او را با مردم مشخص می‌سازد.

- جولان فکری سعدی و سرعت انتقال وی از مسائل کلی و جزئی و جزئیات به مطالب پیچیده و ریزتر، میدان وسیعی را برای بازگو کردن مفاهیم و مقاصد و نکات دقیق باز می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه و شرح الهی قمشه‌ای.
۲. انصاری، ابوالحسن، شیخ سعدی و تصور او از یک جامعه آرمانی (ذکر جمیل سعدی). ج ۱. دانشگاه تهران. ۱۳۸۴
۳. رنجبرک لهرودی، عباس. اندیشه‌های مدیریت ایرانی. جهاد دانشگاهی. تهران. ۱۳۸۳
۴. سعیدی، مصلح‌الدین، گلستان. به کوشش خلیل خطیب رهبر. صفی‌عیشاه. تهران. ۱۳۸۲.
۵. سعیدی، مصلح‌الدین، بوستان، به کوشش غلامحسین یوسفی. خوارزمی. تهران. ۱۳۸۴.
۶. علی احمدی، علیرضا. گوهرهای مدیریتی. تولید دانش. ۱۳۸۲.
۷. میرسعیدی، سید محمد تقی. عمر دوباره (وقت و عمر). بی‌جا. ۱۳۶۱
۸. نظام آموزش کارگزاران از دیدگاه مبانی ارزشی اسلام. سازمان امور اداری و استخدامی کشور. مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری. ۱۳۷۰.